

تفسیر سورہ

فاطر



### سیمای سوره‌ی فاطر

این سوره در مکه نازل شده و چهل و پنج آیه دارد.  
 «فاطر» یکی از صفات خداوند است که به معنای آفریننده می‌باشد. نام این سوره از آیه اول آن گرفته شده که خداوند را به عنوان «فاطر السموات و الارض» معرفی می‌نماید.  
 همانند دیگر سوره‌های مکی، سخن از مبدأ و معاد و مبارزه با شرک، محور اصلی مباحث این سوره را تشکیل می‌دهد.

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ اَلْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِيَّ  
أَجْنِحَةٍ مَّثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ  
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ستایش، مخصوص خداوندی است که آفریدگار آسمان‌ها و زمین است؛  
فرشتگان را که دارای بال‌های (قدرت) دو تا دو تا و سه تا سه تا و چهار تا  
چهار تا هستند، رسولانی قرار داد. او هر چه را بخواهد در آفرینش  
می‌افزاید، البته خداوند بر هر کاری تواناست.

## نکته‌ها:

□ «فاطر» به معنای آفریدن ابتکاری است و «اجنحة» از «جناح» به معنای بال و کنایه از  
قدرت است. در زبان فارسی نیز می‌گوئیم: فلانی پروبالش سوخته یا شکسته، کنایه از اینکه  
قدرتی ندارد.

## پیام‌ها:

۱- ستایش باید بر اساس ارزش و لیاقت باشد. (اگر قرآن می‌فرماید: ﴿الحمد لله﴾ به  
دلیل آن است که او فاطر، جاعل و قدیر است.)  
۲- با آن که خداوند قدرت دارد، لکن نظام آفرینش را بر اساس اسباب و مسببات  
قرار داده است. ﴿جاعل الملائكة رسلا﴾

- ۳- نقش و قدرت فرشتگان متفاوت است. ﴿اولی اجنحة مثنی و ثلاث و رباع﴾  
 ۴- دست خداوند در آفرینش باز است و جهان در حال توسعه و گسترش  
 می‌باشد. ﴿یزید فی الخلق ما یشاء﴾  
 ۵- آفرینش جهان، امری بدیع و ابتکاری است. ﴿فاطر السموات و الارض﴾

### سیمای فرشتگان در قرآن

قرآن کریم درباره‌ی فرشتگان مطالبی دارد از جمله:

- ۱- فرشتگان، بندگان گرامی خداوند هستند. ﴿بل عباد مکرمون﴾<sup>(۱)</sup>
- ۲- مطیع خداوندند. ﴿لا یسبقونه بالقول و هم بامرہ یعملون﴾<sup>(۲)</sup> ﴿لا یعصون اللہ ما امرهم و یفعلون ما یؤمرون﴾<sup>(۳)</sup>
- ۳- تدبیر و تقسیم امور بر عهده‌ی آنهاست. ﴿فالمدرّات أمرأ﴾<sup>(۴)</sup> ﴿فالمقسّات أمرأ﴾<sup>(۵)</sup>
- ۴- مراقب الفاظ و سخن انسانند. ﴿ما یلفظ من قول﴾<sup>(۶)</sup>
- ۵- کاتب اعمالند. ﴿و رسلنا لدیهم یکتبون﴾<sup>(۷)</sup>
- ۶- بشارت دهنده به رزمندگان در جنگ هستند. ﴿بجنود لم ترها﴾<sup>(۸)</sup>
- ۷- بشارت دهنده در مورد فرزنددار شدن هستند. ﴿انا نبشرك بغلام اسمه یحیی﴾<sup>(۹)</sup>
- ۸- بشارت دهنده به مؤمنان در لحظه‌ی مرگ هستند. ﴿الاّ تخافوا ولا تحزنوا﴾<sup>(۱۰)</sup>
- ۹- مأمور عذاب مجرمان هستند. ﴿لما جاء رسلنا لوطا سیء بهم﴾<sup>(۱۱)</sup>
- ۱۰- محافظ انسان هستند. ﴿یرسل علیکم حفظة﴾<sup>(۱۲)</sup>
- ۱۱- دعاگوی مؤمنانند. ﴿و یتغفرون للذین آمنوا﴾<sup>(۱۳)</sup> ﴿و یتغفرون لمن فی الارض﴾<sup>(۱۴)</sup>
- ۱۲- شفاعت می‌کنند. ﴿و کم من ملک فی السموات لا تغنی شفاعتهم شیئا الاّ من بعد ان یأذن

۱. انبیاء، ۲۶.	۲. انبیاء، ۲۷.	۳. تحریم، ۶.
۴. نازعات، ۵.	۵. ذاریات، ۴.	۶. ق، ۱۸.
۷. زخرف، ۸۰.	۸. توبه، ۴۰.	۹. مریم، ۷.
۱۰. فصلت، ۳۰.	۱۱. هود، ۷۷.	۱۲. انعام، ۶۱.
۱۳. غافر، ۷۰.	۱۴. شوری، ۵.	

اللّٰهُ لَمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى ﴿١﴾

- ۱۳- لعن كندهى كفّارند. ﴿اولئك عليهم لعنة الله والملائكة والنّاس اجمعين﴾ (۲)
- ۱۴- امدادگر جبهه‌ها هستند. ﴿يُؤدِّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ﴾ (۳) ﴿بلى ان تصبروا و تقوا... يمددكم بخمسة آلاف﴾ (۴)
- ۱۵- مجرمان را در لحظه‌ى مرگ تنبيه مى‌کنند. ﴿توقّتهم الملائكة يضربون وجوههم و ادبارهم﴾ (۵)
- ۱۶- از بهشتیان استقبال مى‌کنند. ﴿سلام عليكم بما صبرتم﴾ (۶)
- ۱۷- مسئول عذاب دوزخ هستند. ﴿عليها تسعة عشر﴾ (۷)
- ۱۸- مسئول قبض روح هستند. ﴿توقّته رسلنا﴾ (۸)
- ۱۹- داراى درجاتى هستند. ﴿ما ممّا الا له مقام معلوم﴾ (۹)
- ۲۰- مسئول نزول وحى. ﴿ينزل الملائكة بالروح﴾ (۱۰)
- ۲۱- گاهى به صورت انسان در مى‌آیند. ﴿فتمثل لها بشراً سوياً﴾ (۱۱)
- ۲۲- از عبادت خسته نمى‌شوند. ﴿يسبحون له بالليل والنهار و هم لا يسمون﴾ (۱۲)
- ۲۳- با غير انبيا نیز تماس و گفتگو دارند. ﴿انما انا رسول ربك لاهب لك غلاماً﴾ (۱۳)
- ۲۴- بعضى فرشتگان برگزیده‌اند. ﴿الله يصطفى من الملائكة رسلا و من الناس﴾ (۱۴)
- ۲۵- ايمان به فرشتگان لازم است. ﴿والمؤمنون كل آمن بالله و ملائكته و كتبه و رسله﴾ (۱۵)
- ﴿و من يكفر بالله و ملائكته و كتبه و رسله فقد ضلّ ضلالاً بعيداً﴾ (۱۶)

۱. نجم، ۲۶.	۲. بقره، ۱۶۱.	۳. آل عمران، ۱۲۶.
۴. آل عمران، ۱۲۵.	۵. محمّد، ۲۷.	۶. زمر، ۷۳.
۷. مدّثر، ۳۱.	۸. انعام، ۶۱.	۹. صافات، ۱۶۴.
۱۰. نحل، ۲.	۱۱. مریم، ۱۹.	۱۲. فصلت، ۳۸.
۱۳. مریم، ۱۹.	۱۴. حج، ۷۵.	۱۵. بقره، ۲۸۵.
۱۶. نساء، ۱۳۶.		

﴿۲﴾ مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

هر رحمتی را که خداوند (به روی) مردم بگشاید، بازدارنده‌ای برای آن نیست، و هر چه را خداوند دریغ دارد، پس غیر او فرستنده‌ای برای آن نیست، و اوست عزیز و حکیم.

#### پیام‌ها:

- ۱- در دنیا همه مردم از رحمت الهی برخوردارند. ﴿يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ﴾
- ۲- رحمت الهی قبل از قهر اوست. (کلمه‌ی «یفتح» قبل از «یمسک» آمده است.)
- ۳- دادن‌ها و گرفتن‌های خداوند، همراه با حکمت است. ﴿يَفْتَحُ - يُمْسِكُ - الْحَكِيمُ﴾
- ۴- نعمت‌های الهی، دارای خزاینی است که گوشه‌ای از آن به روی انسان باز می‌شود. ﴿يَفْتَحُ - مَرْسِلٌ﴾
- ۵- چشمداشت به غیر خدا بیهوده است، اگر او نخواهد هیچ قدرتی کارائی ندارد. ﴿فَلَا مُمْسِكٌ - فَلَا مَرْسِلٌ﴾
- ۶- اراده‌ی خداوند خلل ناپذیر است. ﴿مَا يَفْتَحُ... فَلَا مُمْسِكٌ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مَرْسِلٌ﴾

﴿۳﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ

ای مردم! نعمت‌هایی را که خداوند به شما عطا کرده یاد کنید، آیا جز خداوند، آفریدگاری است که از آسمان و زمین به شما روزی دهد؟ جز او معبودی نیست. پس چگونه از حقّ به سوی باطل بازگردانده می‌شوید.

#### پیام‌ها:

- ۱- همه را به اندیشه در نعمت‌های الهی دعوت کنیم. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ﴾
- ۲- بهترین راه شناخت خداوند، توجه به نعمت‌های اوست. ﴿اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ﴾

- ۳- سؤال، کلید بیدار کردن و هشدار دادن است. ﴿هل من خالق...﴾
- ۴- هم آغاز و پیدایش هستی از اوست و هم بقا و تداوم آن. ﴿خالق - یرزقکم﴾
- ۵- رازق اوست، ولی از طریق اسباب طبیعی رزق می دهد. ﴿یرزقکم من السماء و الارض﴾
- ۶- قبل از هشدار، توبیخ معنا ندارد. ﴿هل من خالق... فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ﴾
- ۷- هر راهی غیر توحید، بی راهه است. ﴿فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ﴾
- ۸- مبادا رزق خدا را بخوریم و به غیر او رو کنیم. ﴿یرزقکم - فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ﴾
- ۹- فطرت انسان خداگر است، عوامل بیرونی، اسباب انحراف او می شود. ﴿تُؤْفَكُونَ﴾

### ﴿۴﴾ وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ وَإِلَى اللَّهِ تَرْجَعُ الْأُمُورُ

و اگر تو را تکذیب می کنند (نگران مباش زیرا) پیامبران پیش از تو (نیز) تکذیب شده اند، و همه ی کارها به سوی خداوند بازمی گردد.

#### پیام ها:

- ۱- همه ی انبیا مخالف داشته اند و تکذیب حق، شیوه ی دائمی کفار است. ﴿كُذِّبَتْ رسل من قبلك﴾
- ۲- تاریخ تکرار می شود. ﴿یکذِّبوك... كُذِّبَتْ رسل من قبلك﴾
- ۳- کفار با شخص کاری ندارند، با راه و هدف مخالفند هر کس ندای حق سر دهد مورد تکذیب قرار می گیرد. ﴿یکذِّبوك - من قبلك﴾
- ۴- تاریخ، بهترین مایه ی تسلی در برابر مشکلات است. ﴿كُذِّبَتْ رسل من قبلك﴾
- ۵- تکذیب مردم، ضربه ای به حقانیت وحی نمی زند، تکذیب شدگان پیش از تو همان فرستادگان ما بودند. ﴿كُذِّبَتْ رسل﴾
- ۶- توجه به معاد، انسان را در برابر حوادث تلخ مقاوم می کند. ﴿یکذِّبوك... الى الله ترجع الامور﴾

۷- مخالفان حق بدانند که لجاجت‌های آنان فراموش و رها نمی‌شود. «ترجع الامور»

﴿۵﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ لَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ

ای مردم! وعده‌ی خداوندی حق است؛ پس زندگی دنیا شما را فریب ندهد و مبادا (شیطان) فریبکار شما را فریب دهد و به (کرم) خدا مغرور سازد.

#### نکته‌ها:

- «غُرور» به کسی گفته می‌شود که بسیار فریبکار باشد و به دلیل آیه‌ی بعد مراد از آن در این جا شیطان است.
- شاید مراد از مغرور شدن به خدا در جمله «لا یغرّنکم باللّه» این باشد که شیطان، انسان را به عفو و بخشش خدا مغرور سازد و یا از طریق تحریف، بدعت و سهل‌انگاری نسبت به احکام و قانون الهی، به تکرار گناه وادار کند.
- آغاز این سوره درباره‌ی توحید بود، آیه‌ی قبل درباره‌ی نبوت و این آیه درباره‌ی معاد است.
- مانند این آیه در سوره‌ی لقمان آیه ۳۳ نیز آمده است.

#### پیام‌ها:

۱- گروهی با زندگی مادی و دنیوی فریب می‌خورند، اما گروهی زرق و برق دنیا آنان را گول نمی‌زند، بلکه شیطان فریبکار منحرفشان می‌نماید. «لا یغرّنکم باللّه»

#### الغُرورُ

- ۲- برای تربیت، باید هشدارها تکرار شود. «فلا تغرّنکم - ولا یغرّنکم»
- ۳- ایمان به معاد، بهترین وسیله‌ی بازدارنده از فریب دنیا است. «وعداللّه حقّ»
- ۴- وعده‌های الهی حق است، ولی وعده‌های شیطان پوچ و فریبنده. «وعداللّه

حقّ»



﴿۶﴾ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا  
مِنَ أَصْحَابِ السَّعِيرِ

بی‌گمان، شیطان دشمن شما است، پس شما نیز او را دشمن بگیرید؛ جز این نیست  
که او دار و دسته‌ی خود را فرا می‌خواند تا از اصحاب دوزخ باشند.

نکته‌ها:

- کلمه «سعیر» به معنای آتش برافروخته، یکی از نام‌های دوزخ است.
- سابقه‌ی دشمنی شیطان با بشر دیرینه است:
- پدرمان آدم را از بهشت بیرون کرد. ﴿كَمَا أَخْرَجَكَ أَبُو يَك﴾<sup>(۱)</sup>
- او دشمنی است که دیده نمی‌شود. ﴿أَنَّهُ يَرِيكُمْ هُوَ وَ قَبِيلَهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ﴾<sup>(۲)</sup>
- او دشمن قسم خورده است. ﴿فَبِعِزَّتِكَ...﴾<sup>(۳)</sup>
- از هر سو به انسان حمله می‌کند. ﴿مَنْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَنْ خَلْفَهُمْ...﴾<sup>(۴)</sup>
- وسيله‌ی او برای انحراف مردم، وعده‌ی فقر و امر به فحشا است. ﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَ  
يَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ﴾<sup>(۵)</sup>
- او جز با دوزخی کردن مردم راضی نمی‌شود. ﴿يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾
- امام صادق علیه السلام فرمود: اگر شیطان دشمن است، پس غفلت از او چرا؟!<sup>(۶)</sup>

پیام‌ها:

- ۱- اگر دشمنی شیطان را جدی نگیریم، فریب خواهیم خورد. ﴿عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا﴾
- ۲- از برنامه‌ها و تشکّل‌های دشمن آگاه باشیم. ﴿الشَّيْطَانُ... يَدْعُوا حِزْبَهُ﴾
- ۳- شیطان برای انحراف مردم کمک می‌گیرد، ما برای دعوت دیگران به حقّ چه  
می‌کنیم؟ ﴿الشَّيْطَانُ... يَدْعُوا حِزْبَهُ﴾

۱. اعراف، ۲۷. ۲. اعراف، ۲۷. ۳. ص، ۸۲. ۴. اعراف، ۱۷. ۵. بقره، ۲۶۸. ۶. تفسیر نورالثقلین.

﴿۷﴾ الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ  
لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

کسانی که کفر ورزیدند، برایشان عذابی سخت است، و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ خواهد بود.

پیام‌ها:

- ۱- برای انجام یا ترک فرمان‌های الهی، حساب و کتابی در کار است. ﴿کفروا لهم عذاب... آمنوا... لهم مغفرة﴾
- ۲- برای حفظ روحیه‌ی خوف و رجا، باید وعده و وعید در کنار هم باشد. ﴿عذاب شدید - اجر کبیر﴾
- ۳- عاقبت اندیشی و توجه به پایان کار، در تربیت مؤثر است. ﴿لهم عذاب - لهم مغفرة﴾
- ۴- برای عذاب شدن، کفر کافی است، ﴿کفروا لهم عذاب﴾ ولی برای رسیدن به پاداش، علاوه بر ایمان، کار نیک نیاز است. ﴿آمنوا و عملوا الصالحات لهم مغفرة﴾
- ۵- تا گناهان آمرزیده نشود، زمینه برای ورود به بهشت و دریافت پاداش فراهم نمی‌شود. ﴿لهم مغفرة و اجر کبیر﴾
- ۶- ابتدا اتمام حجّت، سپس تهدید به کیفر. (آیات قبل اتمام حجّت بود و این آیه اعلام کیفر و پاداش).

﴿۸﴾ أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَ  
يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ  
بِمَا يَصْنَعُونَ

پس آیا کسی که عمل بدش برای او آراسته شده و آن را نیکو می‌بیند،  
(مانند کسی است که هدایت یافته است.) پس بدون شک خداوند هر که را  
بخواهد (و سزاوار بداند) گمراه می‌کند و هر که را بخواهد (و شایسته  
بداند) هدایت می‌نماید، پس مگذار به خاطر حسرت بر آنان جانت از دست  
برود، زیرا خداوند به آن چه انجام می‌دهند آگاهی کامل دارد.

#### نکته‌ها:

- کسی که رفتار بد انسان را زیبا نشان می‌دهد و به جای انتقاد، تملق می‌گوید، شیطان است، زیرا در آیه دیگر می‌خوانیم: ﴿زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانِ أَعْمَاهُمْ﴾<sup>(۱)</sup>
- بی پاسخ گذاشتن سؤالات توبیخی، نشانه‌ی تهدید و تحقیر خلافکاران است. خداوند برای توبیخ بدکاران، سؤالی را طرح و آن را بی پاسخ می‌گذارد. می‌فرماید: آیا خلافکاری که بدرفتاری خود را خوب می‌بیند... ولی جواب این جمله را نمی‌دهد.
- امام کاظم علیه السلام فرمود: خوب دیدن بدی‌ها، مقدمه‌ی عجب است.<sup>(۲)</sup>

#### پیام‌ها:

- ۱- زیبا دوستی جزء فطرت انسان است، تا آنجا که شیطان نیز بدی‌ها را زیبا نشان می‌دهد تا انسان را بر انجام آن وادار کند.
- ۲- خوب پنداشتن بدی‌ها، زمینه‌ی گمراهی است. ﴿زَيْنَ لَهُ... يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ﴾
- ۳- انسان ابتدا گناه را توجیه و سپس به انجام آن اقدام می‌کند. (تزیین بدی‌ها، همان توجیه خلافکاری‌ها است.) ﴿زَيْنَ لَهُ سُوءَ عَمَلِهِ﴾

۱. انفال، ۴۸.

۲. کافی، ج ۲، ص ۳۱۳.

- ۴- مؤمن، واقع بین، خودشناس و بصیر است ولی کافر، شخص پنداری، فریب خورده، خودپسند است. (آیه قبل، سخن از کفار و مؤمنان و این آیه سخن از واقع بینی و پندارینی است.) ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا... زَيْنَ لَهُ سَوْءَ عَمَلِهِ﴾
- ۵- خوبی ها و بدی ها را باید با معیار الهی سنجید نه با پندار این و آن. ﴿سَوْءَ عَمَلِهِ فَرَّاهُ حَسَنًا﴾
- ۶- کج فهمی و خوب پنداشتن بدی ها، مانع پند پذیری و توبه و تکامل و رشد است. ﴿زَيْنَ لَهُ - يَضِلُّ مِنْ يَشَاءُ﴾
- ۷- گرچه هدایت و ضلالت از خداست، لکن بر اساس عملکرد انسان صورت می گیرد. کفار راه انحرافی را لجوجانه انتخاب می کنند، خداوند هم بر گمراهی آنان می افزاید. ﴿يَهْدِي - يَضِلُّ - بِمَا يَصْنَعُونَ﴾
- ۸- پیامبر برای هدایت مردم حرص می خورد و سوز داشت. ﴿لَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ﴾
- ۹- تأسف و حسرت، باید حد و مرز داشته باشد. ﴿فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ﴾
- ۱۰- توجه به اینکه عملکرد خلافکاران زیر نظر خداوند است، حسرت ما را کم می کند. ﴿فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾

﴿۹﴾ **وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فُسُقِنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ  
فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ**

و خداوند است که بادهای را فرستاد تا ابر را برانگیزاند، پس آن را به سوی سرزمینی مرده راندم، و به وسیلهی آن زمین را بعد از مردنش زنده نمودیم. رستاخیز نیز چنین است.

#### نکته ها:

- چنانکه با ارادهی خداوند، حرکت ابر و باد و ریزش باران، زمین مرده را زنده کرده و گیاهان سر از خاک بر می آورند، با ارادهای دیگر و وقوع زلزلهای عظیم، مردگان از خاک بر می خیزند و زنده می شود.

این بهار نوز بعد برگ ریز هست برهان بر وجود رستخیز<sup>(۱)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- وزش بادها، حرگت ابرها و ریزش باران‌ها، تصادفی نیست، با اراده الهی است. ﴿اللَّهُ... ارسل الرياح فتثير... فسقناه﴾
- ۲- در هستی، برنامه و نظم و تدبیر حاکم است. ﴿ارسل... فتثير... فسقناه... فاحینا﴾
- ۳- برای فهم غیب، از شهود استفاده کنید. ﴿كذلك النشور﴾

﴿۱۰﴾ مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ  
وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ  
شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ

هر کس خواهان عزت است، پس عزت، همه از آن اوست (و به هر که بخواهد می‌دهد.) تنها سخن (و عقیده‌ی) پاک به سوی او بالا می‌رود، و کار شایسته آن را بالا می‌برد، و کسانی که برای انجام بدی‌ها نقشه می‌کشند، برایشان عذاب سختی است و نیرنگ آنان است که تباہ می‌شود.

## نکته‌ها:

- ﴿الکلم الطیب﴾ همان شهادت به توحید و رسالت و ولایت است که در روایات مصادیق آن، اذکاری چون «لا اله الا الله و سبحان الله و...» مطرح شده است.
- «بیور» از «بوار» و «بائر» به معنای کسادی زیاد و هلاکت است.
- برای این آیه‌ی شریفه معانی دیگری نیز قابل بیان است:
- ۱- کلام نیکو به سوی خدا بالا می‌رود، ولی عمل صالح به آن رفعت و درجه می‌بخشد.
- ۲- سخن نیکو هم خودش بالا می‌رود و هم کارهای خوب را بالا می‌کشد.
- کفار، یا عزت را در دل بستگی به اشیای مادی می‌جویند، ﴿وَأَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ هَمَةً

۱. مثنوی مولوی.

لیکونوا لهم عزّاً<sup>(۱)</sup> و یا آن را از وابستگی به این و آن طلب می‌کنند. «ایستغون عندهم العزّة»<sup>(۲)</sup> و حال آنکه عزّت تنها نزد خداوند است. «فلله العزّة جميعاً»

### پیام‌ها:

- ۱- عزّت واقعی، نزد خداست، نه پیش مردم. «فلله العزّة جميعاً»
- ۲- عزّت واقعی، در سایه‌ی ایمان و عمل صالح است. «فلله العزّة جميعاً... الكلم الطیب و العمل الصالح»
- ۳- میان عقیده با عمل رابطه‌ی تنگاتنگ است و در یکدیگر اثر می‌گذارند. «العمل الصالح یرفعه»
- ۴- راه مؤمنان که عزّت را از طریق ایمان و عمل صالح می‌جویند، راه رشد و تکامل است. «یصعد - یرفع» و راه دیگران که عزّت را از طریق فریب و نیرنگ می‌خواهند محو و هلاکت است. «یبور»
- ۵- هیچ کس با نیرنگ و گناه به عزّت نمی‌رسد. «یبور»

﴿۱۱﴾ وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِّنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ اَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ اُنْثٰى وَلَا تَضَعُ اِلَّا بِعِلْمِهٖ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُّعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمْرِهٖ اِلَّا فِیْ كِتَابٍ اِنَّ ذٰلِكَ عَلٰی اللّٰهِ یَسِیْرٌ

خداوند، شما را از خاک و سپس از نطفه آفرید؛ آن گاه شما را زوج یکدیگر قرار داد، و هیچ ماده‌ای جز با علم او باردار نشود و نزاید، و هیچ کس عمر طولانی داده نشود و یا از عمرش کاسته نشود، مگر آن که در کتاب (علم خدا ثبت گردیده) است؛ قطعاً این امر بر خداوند آسان است.

## نکته‌ها:

- کلمه‌ی «مُعَمَّر» به صاحبان عمر طولانی گفته می‌شود. «عُمَر» از عمران و آبادی است و چون انسان در ایام زنده بودن توان آباد کردن دارد، به مدّت حیات او عمر گفته می‌شود.
- در روایات، صدقه و صله‌ی رحم سبب طول عمر و قطع رحم و جسارت به والدین سبب کوتاهی عمر معرّفی شده است.<sup>(۱)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- به منشأ آفرینش خود توجه کنید تا هم به قدرت خداوند پی ببرید و هم گرفتار غفلت و غرور و تکبر نشوید. ﴿خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نَظْفَةٍ﴾
- ۲- هم حضرت آدم از خاک است و هم انسان‌های موجود از نطفه‌ای که سرچشمه‌اش خاک است. ﴿خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ﴾
- ۳- عناصر اصلی وجود انسان، خاک و آب است. ﴿تَرَابٍ، نَظْفَةٍ﴾
- ۴- آفرینش زوج برای انسان، از الطاف الهی است. ﴿جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا﴾
- ۵- خداوند نسبت به تمام حالات موجود، پیش از تولّد و پیدایش آن آگاه است. ﴿وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ﴾
- ۶- انسان عمر معینی دارد ولی به دلایلی گاهی از آن کاسته می‌شود. ﴿لَا يَتَّقِصَ مِنْ عَمْرِهِ﴾
- ۷- تمام لحظه‌های عمر انسان حساب و کتاب دارد. ﴿فِي كِتَابٍ﴾
- ۸- آفریدن انسان از خاک و نطفه و علم به لحظه‌های عمر انسان، بر خداوند آسان است. ﴿عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾

﴿۱۲﴾ وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٍ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ  
أَجَاظٌ وَمِنْ كُلِّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا  
وَ تَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَازِرَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

۱. میزان الحکمة، (عمر).

دو دریا یکسان نیستند: این یکی شیرین، لطیف (و) نوشیدنش گواراست، و آن یکی، شور و تلخ است، ولی شما از هر دو گوشت تازه می‌خورید و زیور (و مروارید) بیرون می‌آورید و می‌پوشید. کشتی‌ها را در آن می‌بینی که امواج را می‌شکافند تا از فضل او (روزی) طلبید و شاید شکرگزار باشید.

### نکته‌ها:

□ «عَذْب» به معنای شیرین، «فُرَات» به معنای لطیف، «سَائِغ» به معنای گوار و «مواخر» جمع «مأخره» به معنای شکافتن است.

□ زندگی افراد؛

گاهی شیرین است و گاهی تلخ.

گاهی همراه شهرت است و گاهی همراه گمنامی.

گاهی همراه غناست، گاهی همراه فقر.

گاهی با سلامتی است و گاهی با بیماری.

لکن اگر انسان، صیاد، غوّاص و ناخدای خوبی باشد، در همه‌ی شرایط متضادّ می‌تواند موفق باشد. ﴿و من کلّ تأکلون... و تستخرجون﴾

□ بهره‌گیری از ماهی و استخراج مواد زینتی و کشتیرانی، برکاتی است که با تلاش انسان همراه است و گرنه برکات دریا بسیار است، از جمله: تشکیل ابرها از بخار دریا، تصفیه هوا، پرورش انواع موجودات آبی.

### پیام‌ها:

۱- اول از شیرینی‌ها بگویید. (با آن که اکثر دریاها آب شور و تلخ دارند ولی در

بیان قرآن اول آب شیرین ذکر شده است.) ﴿هذا عذب - هذا ملح﴾

۲- خام خواری و تحریم گوشت، مورد قبول اسلام نیست. ﴿تأکلون لحمًا﴾

۳- دریا، بستر خوراک، پوشاک و مرکب انسان است. ﴿تأکلون - تلبسونها - تری

الفلک﴾



- ۴- در تغذیه باید به سراغ گوشت تازه رفت. ﴿لِحْمًا طَرِيًّا﴾  
 ۵- انسان به زیبایی گرایش فطری دارد و بهره بردن از زینت مورد قبول اسلام است. ﴿تَسْتَخْرِجُونَ حُلِيَّةَ تَلْبَسُونَهَا﴾  
 ۶- نعمت‌های الهی فضل اوست. ما از او طلبی نداریم. ﴿مِنْ فَضْلِهِ﴾  
 ۷- رزق و فضل الهی در سایه تلاش و کوشش خود انسان بدست می‌آید. ﴿لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ﴾  
 ۸- توجّه به نعمت، زمینه‌ی شکوفا شدن روح شکرگزاری است. ﴿تَشْكُرُونَ﴾

﴿۱۳﴾ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَلِكُمْ أَنَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ

شب را در روز فرو می‌برد و روز را در شب داخل می‌کند. (از یکی می‌کاهد و به دیگری می‌افزاید) و خورشید و ماه را رام و مسخّر نمود، هر یک از آنها برای مدّتی معین در حرکتند. این است خداوند پروردگار شما، فرمانروایی مخصوص اوست. و کسانی که به جای او می‌خوانید مالک پوست هسته‌ی خرمائی نیستند.

#### نکته‌ها:

- شب و روز به تدریج جای خود را به دیگری می‌دهند تا از آثار زیانبار انتقال تاریکی به روشنایی و بالعکس جلوگیری شود.

#### پیام‌ها:

- ۱- کوتاه و بلند شدن شب و روز و یا انتقال تدریجی هر یک به دیگری تصادفی نیست. ﴿یُولِّجُ﴾  
 ۲- طبیعت مسخّر خداست. ﴿سَخَّرَ الشَّمْسَ...﴾

- ۳- حرکات ماه و خورشید، زمان بندی و پایانی دارد. ﴿بِجَرَى لَاجِلٍ مُّسَمًّى﴾  
 ۴- از توجه به آفرینش منظم و هدفدار و زمان بندی شده، توحید خود را تقویت کنید. ﴿ذَالِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ﴾  
 ۵- در شیوهی تبلیغ، ابتدا چهره‌ی حق را تبیین کنید، بعد با چهره باطل مقایسه نمایید. ﴿ذَالِكُمْ اللَّهُ - وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ﴾  
 ۶- دعا و طلب باید از مقام برتر باشد؛ بت‌ها نه برتر از شما هستند و نه مالک سود و زیانی. ﴿مَا يَمْلِكُونَ﴾  
 ۷- انسان، به کجا می‌رود؟ قدرت مطلقه الهی ﴿لَهُ الْمُلْكُ﴾ را رها کرده، به سراغ موجوداتی می‌رود که هیچ قدرتی ندارند. ﴿مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ﴾  
 ۸- در شیوهی تبلیغ، از مثال‌هایی استفاده کنید که همه‌ی مردم در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها آن را بفهمند. ﴿قِطْمِيرٍ﴾

﴿۱۴﴾ إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ

وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ

اگر آن (بت)ها را بخوانید، دعای شما را نمی‌شنوند و اگر بشنوند پاسخی به شما ندهند، و روز قیامت شرک شما را انکار خواهند کرد، و هیچ کس مانند (خداوند) خبیر، تو را (به حقیقت کارها) آگاه نکند.

#### نکته‌ها:

□ فرقه‌ای از مسلمانان (وهابیون) برای تأیید عقاید خود مبنی بر جایز نبودن توسل به پیامبر ﷺ و ائمه اهل بیت به این آیه استدلال می‌کنند، غافل از آن که این آیات درباره‌ی توسل به بت‌هاست نه اولیای الهی که خداوند حتی پس از مرگ آنان نیز با آنها سخن می‌گوید. در آیات متعددی از قرآن خداوند به انبیا سلام کرده از جمله: ﴿سَلَامٌ عَلٰی اِبْرَاهِیْمَ﴾<sup>(۱)</sup>، ﴿سَلَامٌ

علی موسی و هارون﴾<sup>(۱)</sup> و راستی اگر آنان سلام خدا را نشنوند پس سلام چه معنایی دارد؟! گویا حیات برزخی که شهدا دارند مورد قبول این گروه نیست! در روایات زیادی آمده است که پیامبر اسلام با مردگان سخن گفته، از جمله: در سر چاه بدر به کشتگان کفار که در چاه افتاده بودند آنگونه گفتگو کرد که مورد اعتراض قرار گرفت که چگونه با مرده حرف می‌زنی، ولی فرمود: شما از آنان شنواتر نیستید.<sup>(۲)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- برای شرک زدایی، از هیچ استدلالی دریغ نکنید.  
﴿لَا يَلْكُونَ مِنْ قَطْمِيرٍ﴾ (آیه قبل)
- ﴿لَا يَسْمَعُوا دَعَاءَكُمْ﴾ سخن و ناله شما را نمی‌شنوند.
- ﴿مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ﴾ بر فرض بشنوند پاسخ نمی‌دهند.
- ﴿يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ﴾ در قیامت حتی معبودها از مشرکان متنفر خواهند بود.
- ۲- بشر به جایی می‌رسد که دعوت خدای شنوای پاسخ دهنده ﴿ادعونی استجب لکم﴾ را رها کرده، به سراغ جمادات کر و کور و بی خاصیت می‌رود. ﴿ان تدعوهم لا یسمعوا... و ما استجابوا﴾
- ۳- معبودهای پوشالی، در قیامت از مشرکان برائت می‌جویند. ﴿یکفرون بشرککم﴾ و می‌گویند: شما ما را پرستش نمی‌کردید بلکه بنده خیالات و هوس‌های خود بودید. ﴿و قال شرکائهم ما کنتم ائمانا تعبدون﴾<sup>(۳)</sup>
- ۴- شرک نه در دنیا سود می‌دهد، ﴿ما استجابوا﴾ و نه در آخرت. ﴿یکفرون بشرککم﴾
- ۵- خبرهای مهم را از اهل خبره بگیرید. ﴿و لا یُنبئک مثل خبیر﴾
- ۶- اخبار قیامت را جز از طریق وحی نمی‌توان دریافت. ﴿و یوم القیامة... لا یُنبئک مثل خبیر﴾

۲. برای اطلاع بیشتر، به کتاب معاد مؤلف مراجعه فرمایید.

۱. صافات، ۱۲۰.

۳. یونس، ۲۸.

## ﴿۱۵﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

ای مردم! این شماست که به خداوند نیاز دارید و (تنها) خداوند، بی‌نیاز و ستوده است.

## نکته‌ها:

- دعوت خدا از مردم، نشانه‌ی نیاز او به مردم نیست. همان گونه که اگر گفتیم مردم خانه‌های خود را رو به خورشید بسازند، این دعوت نشانه‌ی نیاز خورشید به ما نیست، بلکه نشانه‌ی نیاز ما به نور است. «انتم الفقراء الى الله»
- یکی از راه‌های مبارزه با غرور و تکبر، دعوت انسان به درگاه خداست تا انسان به ضعف و جهل و فقر و نیاز خود پی ببرد. «انتم الفقراء»

## پیام‌ها:

- ۱- هیچ کس از خدا بی‌نیاز نیست. ﴿يا ايها الناس﴾
- ۲- همه‌ی موجودات فقیرند، لکن چون انسان ادعا و سرکشی می‌کند باید مهار شود. ﴿يا ايها الناس﴾
- ۳- نقش واسطه‌ها و وسایل و علل را قبول داریم، اما تمام اسباب و علل نیز در تأثیرگذاری به او محتاجند. ﴿هو الغني﴾
- ۴- غنی واقعی و مطلق و کامل، تنها اوست. ﴿والله هو الغني﴾
- ۵- معمولاً اغنیا، محبوب نیستند و در تیررس جسارت‌ها، حسادت‌ها، رقابت‌ها و سرقت‌ها هستند اما خداوند، غنی حمید است. ﴿والله هو الغني الحميد﴾
- ۶- خداوند غنای خود را در راه رفع نیاز و نفع مخلوقات به کار می‌برد و لذا مورد ستایش است. ﴿الغني الحميد﴾

## ﴿۱۶﴾ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ

اگر بخواهد شما را می برد و آفریده‌ی جدیدی می آورد.

## ﴿۱۷﴾ وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ

و این کار بر خداوند سخت نیست.

## نکته‌ها:

□ در آیه ۱۳۳ سوره‌ی انعام مشابه آیه ۱۶ را خواندیم که می فرمود: ﴿و رَبِّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلَفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةِ قَوْمٍ آخَرِينَ﴾ پروردگار تو بی نیاز و صاحب رحمت است، اگر بخواهد شما را می برد و بعد از شما هر که را بخواهد جایگزین می کند، همان گونه که شما را جایگزین پیشینیان قرار داد.

## پیام‌ها:

- ۱- اگر انسان زیر پای خود را سست و خطرناک بداند، آرام تر می رود. ﴿ان يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ﴾
- ۲- از نشانه‌های فقر انسان، امکان نابود شدن اوست. ﴿انتم الفقراء... يذْهِبْكُمْ﴾
- ۳- بیان قدرت الهی، راهی برای دعوت مردم و تهدیدی برای سرکشان است. ﴿ان يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ﴾
- ۴- قدرت الهی در بردن و آوردن مخلوقات یکسان است. ﴿يذْهِبْكُمْ - يَأْتِ﴾
- ۵- دست خداوند در آفرینش باز است و قدرت او بن بست ندارد. ﴿يذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ﴾
- ۶- مدیر باید جلو غرور و انحصارطلبی زیردستان خود را بگیرد. ﴿يذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ﴾
- ۷- قدرت الهی را جدی بگیریم. ﴿و ما ذلك على الله بعزيز﴾

﴿۱۸﴾ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَإِن تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَن تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

و هیچ فردی بار (گناه) دیگری را بر دوش نکشد، و اگر سنگین باری برای حمل بارش، حتی از نزدیکان خود دعوتی کند، چیزی از بارش حمل نشود (و کسی به او رحم نکند). تو تنها کسانی را که در نهان از پروردگارشان می ترسند و نماز به پا می دارند هشدار می دهی، و هر کس (از گناه) پاک شود، پس این پاکی به نفع خود اوست و بازگشت (همه) تنها به سوی خداوند است.

### نکته‌ها:

- کلمه‌ی «وِزْر» به معنای سنگینی و بار است. «مُثْقَلَةٌ» یعنی سنگین بار. «حَمْل» بار پشت و «حَمَل» بار شکم را گویند.<sup>(۱)</sup>
- در قرآن می خوانیم که گروهی برای اغفال و فریب دیگران می گویند: ﴿اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَ لَنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ﴾<sup>(۲)</sup> ما گناه شما را به دوش می گیریم این آیه جواب آنها را می دهد.
- سؤال: آیا می توان به استناد این آیه که در قیامت بار هر کس به دوش خود اوست و ضربه‌ای به دیگری نمی زند، بگوئیم پس ما کاری به گناهکاران نداشته باشیم زیرا بار گناهشان به دوش خودشان است و به ما کاری ندارد؟
- پاسخ: این آیه، توجیه سکوت در برابر منکرات نیست زیرا خود سکوت، گناهی است بر گردن افراد ساکت. وظیفه ما امر به معروف و نهی از منکر است ولی اگر گوش ندادند گناهشان به دوش ما نیست.
- گرچه هر کس تنها مسئول کار خویش است، اما اگر کسی راه و ستّ غلطی را در جامعه

۱. تفسیر نمونه، به نقل از مفردات راغب.

۲. عنکبوت، ۱۲.

پایه‌گذاری کرد علاوه بر منحرفان، این سنت گزار نیز مسئول است زیرا راهنمای انحراف و گناه، شریک در انحراف و گناه است.

## پیام‌ها:

- ۱- بر اساس عدالت، هر کس باید بار خودش را بر دوش کشد. ﴿لا تزر وازرة...﴾
- ۲- گناه خود را به گردن نیاکان، دوستان و محیط نیاندازیم. ﴿ولا تزر وازرة﴾
- ۳- حساب و کتاب هر کس در قیامت، جداگانه است. ﴿لا تزر وازرة﴾
- ۴- گناه، بار است. ﴿وزر - مثقله﴾
- ۵- در قیامت روابط خویشاوندی در قیامت هیچ تأثیری در سرنوشت انسان ندارد و بستگان باری از دوش انسان بر نمی‌دارند. ﴿ولو كان ذا قربي﴾
- ۶- خشیت و نماز به انسان قابلیت پذیرش می‌دهد. ﴿انما تنذر الذين يخشون...﴾
- ۷- تزکیه از طریق تقوا و نماز به دست می‌آید. ﴿يخشون - اقاموا الصلوة - تزكى﴾
- ۸- تزکیه‌ی انسان، به سود خود اوست. ﴿لنفسه﴾
- ۹- ممکن است سود تزکیه را در دنیا دریافت نکنید ولی در آخرت قطعاً دریافت می‌کنید. ﴿الى الله المصير﴾
- ۱۰- هستی، هدفمند و دارای حرکت تکاملی است. ﴿الى الله المصير﴾

## ﴿۱۹﴾ وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ

(مؤمن و کافر یکسان نیستند چنانکه نابینا و بینا یکسان نیستند.)

## ﴿۲۰﴾ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ

تاریکی و روشنایی (نیز یکسان نیستند).

## پیام‌ها:

- ۱- مقایسه خوبی‌ها و بدی‌ها و کمالات و کمبودها، یکی از بهترین راه‌های آموزش و تعلیم است. ﴿وما يستوی الاعمی...﴾

۲- راه حق یکی بیش نیست. «التور» به صورت مفرد آمده ولی راه‌های انحرافی زیاد است. «الظلمات»

### ﴿۲۱﴾ وَلَا الظِّلُّ وَلَا الحرُّورُ

و سایه و گرمای آفتاب (یکسان نیستند).

﴿۲۲﴾ وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ وَمَا

أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ ﴿۲۳﴾ إِنَّ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ

و زندگان و مردگان یکسان نیستند. همانا خداوند (حق را) به هر کس که بخواهد می‌شنواند و تو هرگز نمی‌توانی به کسانی که در گورها هستند (حق را) بشنوانی. تو جز بیم دهنده‌ای (بیش) نیستی.

#### نکته‌ها:

- کلمه «ظل» به معنای سایه و کلمه «حرور» به معنای باد داغ و سوزان است.
- در این آیات، مؤمن و کافر به چهار چیز تشبیه شده‌اند که نتیجه این چهار مقایسه و تشبیه آن است که مؤمن از نظر شخصیت و سرنوشت با کافر یکسان نیست.
  - مؤمن به بی‌نا و کافر به نابینا.
  - مؤمن به نور و کافر به تاریکی.
  - مؤمن به سایه آرام بخش و کافر به باد سوزان و داغ.
  - مؤمن به زنده و کافر به مرده.
- مؤمن، رو به رشد و حرکت است، زیرا هم چشم حقیقت‌بین، هم نور دارد، هم نفس پاک و هم دل زنده. اما کافر حاضر نیست حقیقت را ببیند و به خاطر سنگدلی، آن را نمی‌پذیرد و به دلیل ظلمات جهل و تعصب و تحجر در راه حق حرکت نمی‌کند.



## پیام‌ها:

۱- مؤمنان، مردمی زنده دل و برخوردار از حیات حقیقی هستند. ایمان به فرد و جامعه حیات می‌بخشد و کفر عامل مرگ فرد و جامعه است. ﴿ما یستوی الاحیاء و لا الاموات﴾

۲- رسالت پیامبر هشدار است نه اجبار ﴿ما انت بمسمع من فی القبور﴾  
 ۳- در تبلیغ، شرط تأثیر پذیری آمادگی مردم است وگرنه تبلیغ پیامبر نیز بی اثر خواهد بود. ﴿ما انت بمسمع من فی القبور﴾

﴿۲۴﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ

همانا ما تو را به حقّ برای بشارت و هشدار فرستادیم و هیچ امتی نبوده مگر آن که در آن هشدار دهنده‌ای گذشته است.

## پیام‌ها:

۱- خداوند حقّ است و نظام تربیتی از طریق انبیا را هم بر اساس حقّ قرار داده است. ﴿ارسلناک بالحقّ﴾

۲- بیم و امید در کنار هم کارساز است. ﴿بشیراً و نذیراً﴾  
 ۳- با این که وظیفه‌ی انبیا بشارت و انذار است، اما به دلیل غفلت مردم، هشدار انبیا بیش تر بوده است. ﴿ان من امة الا خلا فیها نذیر﴾  
 ۴- هرگز زمین از حجّت الهی خالی نبوده است. ﴿الا خلا فیها نذیر﴾

﴿۲۵﴾ وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ

بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ

و اگر تو را تکذیب می‌کنند (نگران مباش، زیرا) بدون شک کفّاری که پیش از آنان بودند نیز (انبیا را) تکذیب نمودند، پیامبران نشان همراه با معجزه‌ها و دلایل آشکار و نوشته‌ها و کتاب روشنگر به سراغشان آمدند (اما آنان ایمان نیاوردند).

## ﴿۲۶﴾ ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ

سپس کسانی را که کفر ورزیدند (به مؤاخذه و مجازات) گرفتم، پس کیفر من چگونه است؟

نکته‌ها:

□ «زُبر» جمع «زبور» به معنای کتاب‌هایی است که از نوعی برجستگی برخوردار باشد.

پیام‌ها:

- ۱- آشنایی با مشکلات دیگران، مایه‌ی تسلی انسان است. ﴿ان يكذبوك فقد كذب﴾
- ۲- انبیا، بهترین ابزار هدایت را با خود داشتند. ﴿البیتات - الزبر - الكتاب﴾
- ۳- تکذیب انبیا از روی عمد و لجاجت و با علم و آگاهی از محتوای دعوت آنان بوده است. ﴿كذب الذين... جائتهم رسلهم بالبینات و بالزبر و بالكتاب المنیر﴾
- ۴- قهر خداوند، بعد از اتمام حجت است. ﴿جائتهم رسلهم... ثم اخذت﴾
- ۵- بیان قهر و قدرت خداوند در کیفر کفار، مایه‌ی تسلی پیروان حق است. ﴿ثم اخذت﴾
- ۶- قهر خداوند، گاهی در دنیا است. ﴿ثم اخذت الذين كفروا﴾ (کفار گمان نکنند رها و مورد غفلت هستند).
- ۷- کفر، عامل هلاکت است. ﴿اخذت الذين كفروا﴾
- ۸- مانور قدرت، لازم است. عذاب کافران، هراس‌انگیز و شگفت‌انگیز بوده است. ﴿فكيف كان نكير﴾
- ۹- از سرنوشت جوامع کفرپیشه عبرت بگیرید. ﴿فكيف كان نكير﴾

﴿۲۷﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا  
أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَ  
غَرَابِيبُ سُودٌ

آیا ندیده‌ای که خداوند از آسمان، آبی فرو فرستاد، پس به واسطه‌ی آن میوه‌هایی  
رنگارنگ (از زمین) بیرون آوردیم. و از بعضی کوه‌ها (رگه‌ها و) راه‌های سفید و  
سرخ، به رنگ‌های گوناگون و کاملاً سیاه (بیرون آوردیم).

#### نکته‌ها:

- «جُدَد»، جمع «جُدَّة» و «جَادَّة» به معنای راه است، «بِیض» جمع «أَبِیض» به معنای سفید،  
«حُمْر» جمع «أَحْمَر» به معنای سرخ و «سُود» جمع «أَسُود» به معنای سیاه است.
- «غَرَابِیب» به معنای سیاه پر رنگ است و شاید دلیل آن که عرب‌ها به کلاغ، غُرَاب  
می‌گویند چون رنگش سیاه است.
- گرچه در این آیات، سه رنگ سفید و سرخ و سیاه کوه‌ها را ذکر کرده است ولی با تعبیر  
«مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا» اشاره می‌کند که کوه‌ها منحصر در این سه رنگ نیستند.

#### پیام‌ها:

- ۱- با سؤال، وجدان‌ها را بیدار کنید. ﴿أَلَمْ تَرَ﴾
- ۲- خطاب به پیامبر در حقیقت خطاب به همه مردم است. ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ﴾
- ۳- خداوند، نظام هستی را بر اساس عِلَّت و معلول قرار داده است. سبب روئیدن  
گیاه، آب است. ﴿فَأَخْرَجْنَا بِهِ﴾
- ۴- خداوند از آب بی رنگ و زمین یک رنگ، میوه‌های رنگارنگ می‌آفریند.  
﴿ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا﴾
- ۵- خطوط و رگه‌های رنگارنگ در کوه‌ها تصادفی نیست. ﴿جُدَدٌ بَيْضٌ وَ حُمْرٌ -  
غَرَابِیبٌ سُودٌ﴾

﴿۲۸﴾ وَ مِنَ النَّاسِ وَالْدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا

يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ

و همچنین از مردم و جنبنده‌ها و چهار پایان به رنگ‌های گوناگون (آفریدیم)؛ از میان بندگان او تنها دانشمندان (ربانی) خشیت الهی دارند، بی شک خداوند، عزیز و آمرزنده است.

#### نکته‌ها:

□ «أنعام» جمع «نعم» به معنای شتر است ولی به گاو و گوسفند نیز گفته می‌شود. گرچه کلمه «دواب» که به معنای جنبنده است شامل آنها می‌شود ولی بدلیل اهمیت و نیاز شدید انسان به این سه حیوان نامشان جدا آمده است.

□ «خشیت» ترس همراه با تعظیم و برخاسته از علم و آگاهی است.

□ امام صادق علیه السلام فرمودند: عالم، کسی است که رفتارش، گفتارش را تصدیق کند و گرنه عالم نیست. (۱)

□ این آیه می‌فرماید: علم سبب خشیت الهی است و آیه ۲۸ همین سوره می‌فرماید: خشیت الهی، سبب پندپذیری از انبیا است. پس نتیجه می‌گیریم که علم باید سبب هشدارپذیری شود. بنابراین اگر دیدیم که دانشمندان پندپذیر نیستند ولی عوام هشدار پذیرند، باید بگوئیم علمی که در قرآن مطرح است غیر از اصطلاح روز است، بلکه مراد از علم دریافت حقیقت و داشتن نورانیت و بصیرت و حکمت است و دانشمندان بی تقوی، در آئینه‌ی قرآن جاہلند؛ جهل به عظمت پروردگار، جهل به رسالت و تکلیف در دنیا، جهل به هدف آفرینش، جهل به سرنوشت و قیامت.

□ در کنار حرم امام رضا علیه السلام خدمت علامه‌ی طباطبایی رحمته الله رسیدم و عرض کردم: من در سال‌های اول تحصیلم همین که مشغول نماز می‌شدم، حالت گریه و خشوع داشتم، ولی اکنون که با سواد شده‌ام در نماز غافلم، پس آیه ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ چه

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۶.

می‌گوید؟ ایشان فرمود: علمی که شما دارید، یک سری اطلاعات و محفوظات است، اگر علم واقعی بود، عبودیت تو بیش تر می‌شد.

### پیام‌ها:

- ۱- اختلاف رنگ انسان‌ها و حیوانات، یکی از نشانه‌های قدرت و عظمت الهی است. ﴿و من النَّاسِ... مختلف اللوانه﴾
- ۲- در امور جسمی و مادی، انسان در ردیف دیگر موجودات است. ﴿و من النَّاسِ و الدَّوَابِّ و الانعام﴾
- ۳- علم و آگاهی بر اسرار هستی، زمینه‌ی رسیدن به خشیت الهی است. ﴿أَمَّا يَخْشَى اللَّهَ... العلماء﴾
- ۴- دانشمندان بی تقوا، به علم واقعی نرسیده‌اند. ﴿أَمَّا يَخْشَى اللَّهَ من عباده العلماء﴾
- ۵- اهل عبادت بسیار است، اما تنها عالمان به مقام خشیت می‌رسند. ﴿أَمَّا يَخْشَى اللَّهَ من عباده العلماء﴾

﴿۲۹﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ نَّبُورَ

همانا کسانی که کتاب خدا را تلاوت می‌کنند و نماز بر پا می‌دارند و از آن چه ما روزیشان کرده‌ایم، پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، به تجارتی دل بسته‌اند که هرگز زوال نمی‌پذیرد.

### نکته‌ها:

- در آیه قبل سخن از این بود که تنها علما خشیت الهی دارند، گویا این آیه سیمای علمای واقعی را شرح می‌دهد که آنان: انس با قرآن دارند. نماز به پا می‌دارند و انفاق آنان خالصانه است زیرا هم علنی انفاق می‌کنند و هم پنهانی و اگر ریاکار بودند تنها علنی انفاق می‌کردند.
- «تبور» از «بوار» به معنای کسادی شدید در تجارت است. از آنجا که این امر موجب فساد

و نابودی است به هلاکت هم بوار گفته می‌شود.

□ در آیه قبل «یخشی الله» مطرح شد و در این آیه «یرجون»؛ آری، مردان خدا میان خوف و رجا هستند.<sup>(۱)</sup>

□ در قرآن بارها نماز و قرآن، در کنار هم مطرح شده‌اند:

«یتلون کتاب الله و اقاموا الصلوة»<sup>(۲)</sup> کتاب خداوند را تلاوت می‌کنند و نماز به پا می‌دارند.  
«یمسکون بالکتاب و اقاموا الصلوة»<sup>(۳)</sup> به کتاب آسمانی تمسک می‌کنند و نماز به پا می‌دارند.

«اتل ما أوحى إليك من الكتاب و اقم الصلوة»<sup>(۴)</sup> آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده تلاوت کن و نماز به پا دار.

### امتیازات تجارت با خدا

۱- آنچه از سرمایه داریم، (سلامتی، علم، عمر، آبرو، مال و...) از اوست پس به خود او بفروشیم. آری، اگر فرزندی زمین و مصالح و پولی از پدر گرفت و منزلی ساخت بعد افرادی خریدار منزلش شدند که یکی از آنان همان پدر بود، عقل و وجدان می‌گوید خانه را به پدر بفروشد، زیرا خود فرزند و تمام دارایی‌هایش از اوست و فروش به بیگانه جوانمردی نیست.  
۲- خداوند به بهای بهشت ابدی می‌خرد، ولی دیگران هر چه بخرند، ضرر و خسارت است، چون ارزان می‌خرند و زودگذر است.

۳- خداوند کم را می‌پذیرد، «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ» ولی دیگران کم را نمی‌پذیرند.

۴- خداوند، از روی عفو و اغماض، عیب جنس را می‌پوشاند و با همان نواقص می‌خرد. در دعای بعد از نماز می‌خوانیم: خداوندا! اگر در رکوع و سجود نمازم خلل و نقصی است نادیده بگیر و نمازم را قبول فرما. در دعای ماه رجب می‌خوانیم: «خاب الوافدون علی غیرک و خسر المتعرضون الا لك»<sup>(۵)</sup> یعنی باختند کسانی که در خانه غیر تو آمدند و خسارت کردند کسانی

۱. تفسیر اطیب البیان. ۲. فاطر، ۲۹. ۳. اعراف، ۱۷۰.  
۴. عنکبوت، ۴۵. ۵. مفاتیح الجنان.

که به سراغ دیگران رفتند.

### پیام‌ها:

- ۱- تلاوت قرآن (گرچه مستحب است)، اما قبل از واجبات آمده است. ﴿یتلون... اقاموا... انفقوا﴾
- ۲- فکر و فرهنگ، مقدمه‌ی عمل است. ﴿یتلون کتاب اللّٰه - اقاموا الصلاة﴾
- ۳- کسی که عاشقانه مکتب را بپذیرد، نماز و انفاقش قطعی است. (تلاوت کتاب به صورت مضارع آمده که نشانه تداوم عمل و علاقه به تلاوت است، ﴿یتلون﴾ ولی نماز و انفاق به صورت ماضی آمده که نشانه قطعی بودن انجام آن است.) ﴿اقاموا - انفقوا﴾
- ۴- نماز، باید با رسیدگی به محرومان همراه باشد. ﴿اقاموا - انفقوا﴾
- ۵- دارائی‌های انسان، داده الهی است. ﴿رزقناهم﴾
- ۶- اگر توجه داشته باشیم که دارائی‌های ما از خداوند است، در انفاق، بخل نمی‌ورزیم. ﴿انفقوا مما رزقناهم﴾
- ۷- بخشی از داده‌ها انفاق شود، باقی برای خودتان است. ﴿مما رزقناهم﴾ (کلمه «مِن» به معنای بعضی است)
- ۸- مورد انفاق، تنها مال نیست بلکه از علم و آبرو و قدرت نیز باید به مردم کمک کرد. ﴿مما رزقناهم﴾
- ۹- انفاق، هم سری باشد هم آشکارا. (در انفاق پنهان، خلوص آدمی رشد می‌کند و در انفاق آشکار، مردم تشویق می‌شوند.) ﴿سراً و علانیه﴾ البته انفاق مخفیانه برتری دارد، لذا نام آن قبل از انفاق علنی برده شده است. ﴿سراً و علانیه﴾
- ۱۰- امید به رستگاری، باید با فکر و عمل و انفاق همراه باشد وگرنه امید بدون کار، پنداری بیش است. ﴿یتلون، اقاموا، انفقوا، یرجون﴾
- ۱۱- با داشتن علم و خشیت الهی (که در آیه قبل بود) و با تلاوت قرآن و اقامه نماز و کمک به محرومان، باز هم خود را مستحق ندانید، تنها امیدوار باشید.

## ﴿یرجون﴾

- ۱۲- در معامله با خدا، حتی یک درصد زیان نیست. ﴿تجارة لن تبور﴾  
 ۱۳- گمان نکنید با انفاق، مال شما تمام می شود. ﴿تجارة لن تبور﴾  
 ۱۴- در فرهنگ اسلام، دنیا بازار است و انسان فروشنده و نعمت های الهی، سرمایه و انتخاب مشتری با انسان است. او می تواند با خدا معامله کند و می تواند غیر خدا را انتخاب کند.

## ﴿۳۰﴾ لِيُؤْفِقَهُمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِّنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ

خداوند پاداش آنان را به طور کامل عطا کند و از فضل خویش به آنان بیفزاید، چرا که خداوند آمرزنده و سپاسگزار است.

## نکته ها:

□ در تمام کلمات این آیه، فضل و لطف الهی می درخشد:

پاداش به طور کامل. «لیؤفقیهم»

با این که سرمایه و توفیق عمل از اوست، باز هم نام پاداش بر آن نهاده است. «اجورهم»  
 زیاد شدن الطاف و پاداش ها از سوی خداوند. «یزید من فضله»

## پیام ها:

- ۱- عمل برای دریافت اجر الهی، ضرری به اخلاص نمی زند. ﴿لیؤفقیهم اجورهم﴾
- ۲- خداوند هم مزد می دهد، هم اضافه می دهد. ﴿لیؤفقیهم اجورهم و یزیدهم﴾
- ۳- اجر کامل برخاسته از شکور بودن خداوند است. ﴿لیؤفقیهم... شکور﴾
- ۴- خداوند از تلاش ها قدردانی کرده و لغزشها را می پوشاند، ما نیز در برابر خدمات دیگران قدرشناس باشیم و از لغزش های آنان بگذریم. ﴿انه غفور شکور﴾



﴿۳۱﴾ وَالَّذِي آوَحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ  
إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ

و آن چه از کتاب به سوی تو وحی کردیم، همان حق است که تصدیق  
کننده‌ی کتاب‌های پیش از آن است؛ قطعاً خداوند نسبت به بندگانش خبیر  
و بینا است.

پیام‌ها:

- ۱- در قرآن، سخن باطل، خرافه، گزافه و بی منطق وجود ندارد. ﴿هوالحق﴾
- ۲- میزان حقانیت هر کلام و کتابی، قرآن است. ﴿هوالحق﴾
- ۳- کتب آسمانی، مؤید یکدیگرند. ﴿مصدقاً﴾
- ۴- خداوند هم به نیاز بشر به وحی آگاه است، و هم به لیاقت پیامبر برای دریافت  
وحی. («خبیر» آگاه از باطن و «بصیر» آگاه از ظاهر است). ﴿عباده خبیر بصیر﴾

﴿۳۲﴾ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ  
لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإِذْنِ اللَّهِ ذَٰلِكَ  
هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ

آنگاه این کتاب (قرآن) را به گروهی از بندگانش که (آنان را) برگزیدیم به  
میراث دادیم، پس برخی از بندگان ما (در عمل به کتاب) بر خود ستمکارند  
و بعضی میانه‌رو و برخی با اذن الهی نسبت به کارهای خیر سبقت گیرند،  
که این همان فضل بزرگ الهی است.

نکته‌ها:

- در مورد این آیه‌ی شریفه، آن چه را از میان اقوال متعدّد انتخاب کردم و با روایات نیز  
سازگار است، این است که خداوند می‌فرماید: قرآن را به برگزیدگان از بندگانم پس از پیامبر،  
که همان امامان معصوم علیهم‌السلام از ذریه‌ی حضرت فاطمه علیها‌السلام باشند به میراث دادیم و دلیل

آن که علوم قرآن را به برگزیدگان دادیم این است که بعضی از بندگان، ظالم و برخی میانه‌رو و بعضی که به گفته‌ی روایات، اهل بیت پیامبرند در همه‌ی کارهای خیر سبقت می‌گیرند و تنها این گروه سوّم برگزیده‌اند، نه همه.

□ در روایات متعدّد می‌خوانیم که ائمه معصومین علیهم‌السلام فرموده‌اند: بندگان برگزیده‌ی خدا که وارث کتابند، ما اهل بیت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله هستیم. (۱)

### پیام‌ها:

- ۱- قرآن، به تنهایی کافی نیست، حامی و مجری لازم دارد. «اورثنا الكتاب»
- ۲- کسی حقّ انتخاب و اعطای مسؤلیت‌های دینی را دارد که به حال بندگان آگاهی عمیق داشته باشد. «انّ الله بعباده لخبیر بصیر - ثمّ اورثنا الكتاب الذین اصطفینا»
- ۳- دلیل محروم شدن از انوار قرآن، خود ما هستیم. «منهم ظالم - و منهم مقتصد»
- ۴- شرط دریافت میراث قرآن، سبقت در همه‌ی کارهای خیر است نه انجام بعضی. «بالخیرات»
- ۵ - انتخاب خداوند، حکیمانه است. کسانی وارث علوم قرآنند که در خیرات سبقت گیرند. «سابق بالخیرات»
- ۶- ظلم، از سوی خود انسان است، «ظالم لنفسه» ولی توفیق سبقت در خوبی‌ها، به اذن خداست. «سابق بالخیرات باذن الله»
- ۷- میراث‌بردن از قرآن، فضل بزرگ الهی است. «ذلک هو الفضل الکبیر»

﴿۳۳﴾ جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا  
وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ

پاداش الهی و آن فضل بزرگ، باغ‌هایی همیشه سرسبز است که به آنها وارد خواهند شد، و در آنها با دستبندهایی از طلا و مروارید زینت می‌شوند و لباس آنان در آن جا (از) ابریشم است.

نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «آساور» جمع «سوار»، معرب «دستواره» از کلمات فارسی است که وارد زبان عربی شده است.<sup>(۱)</sup>

پیام‌ها:

- ۱- تکثّر و تنوّع نعمت‌ها، یک ارزش است. ﴿جَنّات﴾
- ۲- از عنصر تشویق غافل نشویم. ﴿جَنّات عدن - یحَلّون﴾
- ۳- پاداش محرومیت موقت، کامیابی دائمی است. (اگر طلا و ابریشم، در چند روز دنیا بر مردان حرام شد، در بهشت، از آن بهره‌مند می‌شوند). ﴿یحَلّون... من ذهب...﴾
- ۴- معاد، جسمانی است. (طلا و لؤلؤ مربوط به زینت بدن مادی است). ﴿آساور من ذهب﴾

﴿۳۴﴾ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ  
شَكُورٌ

و گویند: سپاس برای خداوندی است که اندوه را از ما زدود، همانا پروردگار ما آمرزنده و سپاسگزار است.

۱. تفسیر المیزان.

## پیام‌ها:

- ۱- شعار اهل بهشت، ستایش خداست. «و قالوا الحمد لله»
- ۲- در فضای بهشت، غم و غصه نیست. «اذهب عتّا الحزن»
- ۳- در بهشت، در کنار نعمت‌های مادی (در آیه‌ی قبل) آرامش روحی مطرح است. «اذهب عتّا الحزن»
- ۴- بهشت، به خاطر مغفرت و سپاس‌گزاری خداوند، به بهشتیان می‌رسد. «إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ»
- ۵- پوشاندن لغزش‌ها و قدردانی از بندگان شایسته از شئون ربوبیت است. «إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ»
- ۶- اهل بهشت، دارای برجستگی‌هایی هستند که خداوند قدردان و سپاسگزار آنان است. «لَغَفُورٌ شَكُورٌ»

﴿۳۵﴾ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ

خداوندی که ما را از فضل خویش در سرای ابدی جای داد که در آن جا هیچ رنجی به ما نمی‌رسد و درماندگی به سراغ ما نمی‌آید.

## نکته‌ها:

- «نَصَبٌ» به معنای تعب و رنج و «لُغُوبٌ» به معنای عجز و ناتوانی است و گاهی در افسردگی بکار می‌رود.
- در کشورهای مترقی و خانواده‌های مرفه، آسایش پیدا می‌شود ولی آرامش کمیاب است، اما اهل بهشت هم در آسایش کاملند و هم از غم‌ها و تحیرها دور.

## پیام‌ها:

- ۱- بهشت، ابدی است. «دار المقامة»

- ۲- بهشتیان، نعمت‌ها را از فضل خدا می‌دانند، نه از عمل خود. ﴿من فضله﴾  
 ۳- رنج و غم با بهشتیان حتی تماس ندارد. ﴿لا یسنا﴾  
 ۴- طول عمر بیش از حد در دنیا، خستگی آور است ولی در بهشت نه خستگی وجود دارد و نه غم. ﴿لا یسنا... نَصَب... لُغُوب﴾  
 ۵- آسایش و آرامش بهشت، شعار نیست جدی است. (جمله‌ی «لا یسنا» تکرار شده است)

﴿۳۶﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَافُرٍ

و کسانی که کفر ورزیدند، برایشان آتش دوزخ است، نه بر آنها حکم می‌شود که بمیرند و نه از عذاب دوزخ تخفیفی برایشان هست؛ ما این گونه هر ناسپاسی را کیفر می‌دهیم.

#### نکته‌ها:

- در کنار وعده‌های بهشت، وعیده‌های دوزخ بیان می‌شود تا میان بیم و امید تعادل باشد.
- اهل دوزخ دو تقاضا دارند، یک بار می‌گویند: «لِيقْضِ عَلَيْنَا رَبِّكَ»<sup>(۱)</sup> خدا ما را مرگ دهد تا راحت شویم. خداوند می‌فرماید: «لا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا» در دوزخ مرگی در کار نیست که دوزخیان بمیرند و از عذاب نجات یابند. بار دیگر می‌خواهند لا اقل تخفیفی به آنان داده شود: «يُخَفَّفُ عَنَّا يَوْمًا مِنَ الْعَذَابِ»<sup>(۲)</sup> این آیه می‌فرماید: «لا يُخَفَّفُ» تخفیفی در کار نیست.

#### پیام‌ها:

- ۱- کسی که از کافر بودن، به کفور بودن رسید و تمام درهای سعادت را به روی خود بست، تمام درهای نجات نیز به روی او بسته خواهد شد؛ در آن جا نه مر است و نه تخفیف. ﴿فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ﴾

۱. زخرف، ۷۷.

۲. غافر، ۴۹.

۲- کفر، نوعی کفران نعمت است. ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا... كُلَّ كُفُورٍ﴾  
 ۳- فرد مهم نیست، خصلت مهم است. ﴿كُلَّ كُفُورٍ﴾

﴿۳۷﴾ وَهُمْ يَصْطَرِّخُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا  
 نَعْمَلُ أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ  
 فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِن نَّصِيرٍ

و آن کفار در دوزخ ناله می‌زنند (و می‌گویند): پروردگارا! ما را خارج کن تا  
 عمل صالحی انجام دهیم، غیر از آنچه که قبلاً انجام می‌دادیم. (در پاسخ به  
 آنان گفته می‌شود): آیا ما به شما چندان عمر ندادیم که در آن هر کس که  
 بنای تذکر دارد متذکر شود و (عبرت گیرد؟ به علاوه) هشدار دهنده به  
 سراغتان آمد (ولی شما توجهی نکردید)، که اینک بپشید، پس برای  
 ستمگران هیچ یآوری نیست.

#### نکته‌ها:

- «صُراخ» به معنای فریاد و ناله‌ای است که با درخواست کمک همراه باشد.
- در دو آیه‌ی قبل، عنوان شد که اهل بهشت آسایش و آرامش دارند؛ در این آیه می‌فرماید:  
 اهل دوزخ می‌سوزند و ناله می‌کنند و تقاضای کمک دارند.

#### پیام‌ها:

- ۱- به هر تقاضا و ناله‌ای نباید اعتنا کرد، درخواست مجرم قابل پذیرش نیست.  
 ﴿رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا﴾ (خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَوْ رَدُّوا لَعَادُوا لَمَا تَهُوا عَنْهُ﴾ اگر  
 برگردند، باز همان خلافتکاری‌های خود را دارند.)
- ۲- آن چه انسان را دوزخی می‌کند، اعمال ناصالح است. ﴿اَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا﴾
- ۳- همه‌ی سرکشان، روزی به عجز و انابه خواهند افتاد. ﴿رَبَّنَا أَخْرِجْنَا...﴾
- ۴- آخرت محل جبران از دست داده‌ها نیست. ﴿أَوَلَمْ نَعْمُرْكُمْ...﴾

۵ - بسیاری افراد در دنیا خیال می‌کنند کارشان صالح است، اما در روز قیامت می‌فهمند که صالح نبوده و لذا می‌گویند: پروردگارا! اگر از دوزخ نجات یابیم، عمل صالحی (نه مثل صالح نماهای قبلی) انجام خواهیم داد. ﴿غیر الّذی کتّا نعمل﴾

۶ - خداوند به همه‌ی مردم به مقداری که حجّت بر آنان تمام شود، عمر داده است. ﴿اولم نَعْمَرکم ما یتذکر فیه﴾

۷ - از دست دادن فرصت‌ها، موجب ظلم به خویش است. ﴿اولم نَعْمَرکم... فا للظالمین من نصیر﴾

۸ - هدف از عمر، هوشیاری است و انسان غافل گویا عمر نکرده است. ﴿اولم نَعْمَرکم ما یتذکر﴾

۹ - تذکّر لحظه‌ای کارساز نیست، زیرا هر مجرمی برای یک لحظه متذکّر می‌شود؛ تذکّر باید استمرار داشته باشد. ﴿یتذکر فیه﴾

۱۰ - تا نذیر نباشد، قهر الهی نیست. ﴿جاءکم النذیر فذوقوا﴾

۱۱ - کسی که به هشدارهای انبیا توجه نکند ظالم است. ﴿جاءکم النذیر... فا للظالمین﴾

۱۲ - برای کفّار، شفاعت، دعا و ناله هیچ یک کارساز نیست. ﴿من نصیر﴾

﴿۳۸﴾ اِنَّ اللّٰهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اِنَّهٗ عَلِيْمٌ بِذٰتِ الصُّدُوْرِ

همانا خداوند به غیب آسمان‌ها و زمین آگاه است، بدون شک او به راز دل‌ها داناست.

#### نکته‌ها:

□ در آیات گذشته خواندیم که: خداوند افرادی را برای میراث قرآن برگزید، افرادی را به بهشت می‌برد و افرادی را به دوزخ؛ این آیه می‌فرماید: زیرا او همه چیز را می‌داند و از نهان و آشکار و از درون و بیرون آگاه است.

## پیام‌ها:

- ۱- کسانی که فرصت‌های دنیا را از دست داده و عمل صالحی انجام نداده‌اند و در آخرت ناله می‌زنند که ما را از دوزخ نجات بده تا عمل صالح انجام دهیم، در سخن خود صداقت ندارند. ﴿انه علیم بذات الصدور﴾
- ۲- ایمان به اینکه خداوند همه چیز را می‌داند بهترین بازدارنده انسان از خلاف است. ﴿انه علیم بذات الصدور﴾

﴿۳۹﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرَهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرَهُمْ إِلَّا خَسَارًا

او کسی است که شما را در زمین جانشینان (پیشینیان) قرار داد؛ پس هر کس کفر ورزد بر ضررش خواهد بود و کافران را کفرشان جز دشمنی و خشم نزد پروردگارشان نمی‌افزاید، و کافران را کفرشان جز خسارت نمی‌افزاید.

## نکته‌ها:

- مراد از خلیفه بودن انسان در این آیه، یکی از سه امر است: جانشینی ملت‌ها از ملت‌ها، جانشینی فرزندان آدم از انسان‌های پیش از خلقت آدم، جانشینی انسان از خداوند
- «مقت» به معنای غضب شدید است که در قرآن در مورد چهار چیز بکار رفته است:
  - ۱- کفر. ﴿لا یزید الکافرین کفرهم... الا مقتاً﴾
  - ۲- زنا. ﴿انه کان فاحشة و مقتاً﴾<sup>(۱)</sup>
  - ۳- گفتن و عمل نکردن. ﴿کبر مقتاً عندالله ان تقولوا مالا تفعلون﴾<sup>(۲)</sup>
  - ۴- سخن بی منطق. ﴿بجادلون فی آیات الله بغير سلطان اتاهم کبر مقتاً عندالله﴾<sup>(۳)</sup>

۱. نساء، ۲۲.

۲. صف، ۳.

۳. غافر، ۳۵.



## پیام‌ها:

۱- جانشینی انسان در زمین باید عامل شکر باشد نه کفر. ﴿جعلکم خلائف... فمن کفر﴾ (شما نیز رفتنی هستید و دیگران جانشین شما خواهند شد، در این چند روز دنیا کفر نورزید).

۲- کفر انسان به ضرر خود اوست و ضربه‌ای به خدا نمی‌زند. ﴿فعلیه کفره﴾

۳- کفار، کفر خود را به گردن نیاکان یا جامعه نیاندازند. ﴿من کفر فعلیه کفره﴾

۴- خطرات و آثار کفر محدود نیست و هر لحظه گسترش می‌یابد. ﴿لا یزید الکافرین الا مقتا... الا خساراً﴾

۵- کفر به خودی خود، عامل خسارت است، گرچه کافر عمل فاسدی انجام ندهد. ﴿لا یزید الکافرین کفرهم الا خساراً﴾

۶- بیان خطرات گناه، عاملی برای بازداشتن گناهکار است. ﴿مقتاً - خساراً﴾

﴿۴۰﴾ قُلْ اَرَايْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِيْنَ تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اِلٰهِ اَرُونِيْ مَاذَا خَلَقُوا مِنْ الْاَرْضِ اَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمٰوٰتِ اَمْ اٰتَيْنَاهُمْ كِتٰبًا فَهُمْ عَلٰى بَيِّنٰتٍ مِّنْهُ بَلْ اِنْ يَعِدُ الظّٰلِمُوْنَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا اِلَّا غُرُوْرًا

بگو: آیا شریکان خویش را که به جای خداوند می‌خوانید دیده‌اید؟ به من نشان دهید که چه چیزی را از زمین آفریده‌اند، یا برای آنان در (آفرینش) آسمان‌ها مشارکتی است؟ یا به آنان کتابی داده‌ایم که ایشان، دلیل و حجتی از آن بر شرک خود دارند؟ (نه، هیچ کدام نیست)، بلکه ستمکاران تنها بر اساس وعده‌ای (دروغی) که بعضی‌شان به بعضی دیگر (در مورد شفاعت) می‌دهند یکدیگر را فریب می‌دهند.

## پیام‌ها:

۱- پیامبر اکرم ﷺ مأمور به گفتگو با مخالفان بود. ﴿قل﴾

- ۲- با سؤال، وجدان‌ها را بیدار کنید. «ارونی ماذا خلقوا»
- ۳- اسلام دین منطق است. «ارایتم - ارونی - فهم علی بیته»
- ۴- تحدی و مبارزه طلبی، تنها در کتاب تشریح نیست که می فرماید: «فأتوا بسورة» بلکه در مورد آفرینش و کتاب تکوین نیز هست. «ارونی ماذا خلقوا»
- ۵- مشرکان، هیچ منطقی ندارند. نه عقلی «ماذا خلقوا» و نه نقلی «ام اتیناهم کتاباً»
- ۶- هر جا منطق و بیته نباشد، فریب است. «ان یعد... الا غرورا»
- ۷- مشرکان ظالمند. «یعد الظالمون» وعده‌ی ظالمان، فریب و شعارهای آنان فریبنده است. «الا غرورا»
- ۸- شرک بر تبلیغات و وعده‌های فریبکارانه استوار است. «ان یعد الظالمون بعضهم بعضا الا غرورا»
- ۹- فریب از هر کس می تواند باشد. «بعضهم بعضا» گاهی افراد ضعیف و عادی با تملق و چاپلوسی افراد بالاتر را به انحراف می کشانند و گاهی افراد قوی با تهدید و تطمیع و وعده‌ها و شعارهای دروغین مردم را به اطاعت بی چون و چرای خود وادار می کنند. «یعد الظالمون بعضهم بعضاً»

﴿۴۱﴾ إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

همانا خداوند آسمان‌ها و زمین را از زوال (و سقوط و خروج از مدار) نگاه می‌دارد، و اگر زوال پذیرند (و از مدار خارج شوند) احدی جز او نمی‌تواند آنها را نگاه دارد؛ البتّه او بردبار و آمرزنده است.

#### نکته‌ها:

- میان نگاهداری و حفاظت خداوند از نظام هستی و حلم او رابطه است، همان گونه که میان عقاید و اعمال ما و فروپاشی نظام هستی رابطه است. در این آیه به مورد اول اشاره دارد و آیه با جمله‌ی «حلیماً غفوراً» پایان یافته است. اما در سوره‌ی مریم، آیات ۸۸ تا ۹۰

می خوانیم: ﴿و قالوا اتخذ الرحمن ولداً لقد جئتم شيئاً اذاً تكاد السموات يتفطرن منه و تنشق الارض و تحز الجبال هداً﴾ مشرکان گفتند: خداوند فرزندی اختیار کرده است، نزدیک است که آسمان ها و زمین و کوه ها از این سخن زشت درهم ریزد و فروپاشد.

□ خداوند هم آسمان ها و زمین با عظمت را نگاه می دارد «بمسك السموات و الارض» و هم پرنده‌ی کوچک در هوا را ﴿ما يمسكهن الا الرحمن﴾<sup>(۱)</sup>

□ در روایات می خوانیم: خداوند به واسطه‌ی اولیای خود، آسمان و زمین را حفظ می کند که اگر نباشند، نظام هستی به هم می ریزد.<sup>(۲)</sup>

### پیام ها:

- ۱- جایگاه آسمان ها و زمین و حرکت و مدار آنها با اراده‌ی خداوند است و اوست که هر لحظه آنها را حفظ می کند. ﴿ان الله يمك السموات و الارض﴾
- ۲- پدیده ها، هم در پدید آمدن و هم در بقا نیازمند قدرت و لطف خداوند هستند. ﴿ان الله يمك السموات...﴾
- ۳- نظم حاکم بر هستی، از سوی خداست، نه امری تصادفی. ﴿ان الله يمك السموات...﴾
- ۴- ابدیت مخصوص اوست و هستی قابل زوال است. ﴿زالتا﴾
- ۵- اگر حلم الهی نباشد، کرات آسمانی بر سر خلافاکاران فرو می ریزد. ﴿يمك السموات - كان حليماً غفوراً﴾ (هنگام برپایی قیامت، خورشید و ماه و ستارگان و زمین دگرگون و درهم ریخته می شود، بنابراین اگر در دنیا از فروپاشی آنها جلوگیری می شود به خاطر حلم اوست).
- ۶- خداوندی که با قدرت هستی را نگاه داشته، اگر به کفار مهلتی می دهد به خاطر حلم است نه عجز. ﴿كان حليماً﴾

۱. ملک، ۱۹.

۲. تفسیر نورالثقلین.

﴿۴۲﴾ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ  
إِحْدَى الْأُمَّمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا

و (مشرکان) با سخت‌ترین سوگندها، به خدا سوگند یاد کردند که اگر  
هشدار دهنده‌ای به سراغشان بیاید از هر یک از امت‌های دیگر هدایت  
یافته‌تر شوند؛ پس همین که هشدار دهنده‌ای برایشان آمد، جز نفرت (از  
حق) چیزی بر آنان نیفزود.

#### نکته‌ها:

- در تفاسیر می‌خوانیم: مشرکان وقتی شنیدند که هرگاه پیامبری برای یهودیان می‌آمد آنها  
لجاجت می‌کردند؛ سوگند یاد کردند و گفتند: ما چنین نیستیم، اگر پیامبری برای ما بیاید  
بدون لجاجت تسلیم او را می‌پذیریم، و از دیگر امت‌ها زودتر و بهتر هدایت خواهیم شد ولی  
همین که پیامبر به سراغشان آمد جز نفرت چیزی از خود نشان ندادند.
- خدا نکند کسانی که در انتظار حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به سر  
می‌برند و می‌گویند: اگر بیاید ما چنین و چنان خواهیم کرد، هنگامی که تشریف بیاورند در  
برابری جبهه بگیرند.

#### پیام‌ها:

- ۱- مشرکان، خدا را قبول داشتند و او را مقدس می‌شمردند و به او سوگند یاد  
می‌کردند. ﴿اقسموا بالله﴾
- ۲- به هر سوگندی نمی‌توان اعتماد کرد. ﴿اقسموا بالله - فلما جاءهم...﴾
- ۳- به عمل کار بر آید، به سخنرانی نیست. ادعا زیاد ولی عمل کم است. ﴿اقسموا -  
الأنفورا﴾
- ۴- برای هدایت مردم، بشارت و انذار هر دو لازم است، لکن برای جامعه‌ی  
منحرف انذار مهم‌تر است. (کلمه‌ی «نذیر» دو بار آمده است)

﴿۴۳﴾ اِسْتَكْبَارًا فِي الْاَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ اِلَّا بِاَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ اِلَّا سُنَّتَ الْاَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللّٰهِ تَبْدِيلاً  
وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللّٰهِ تَحْوِيلاً

(نفرت آنان از حق) به خاطر استکبار در زمین و نیرنگ بدشان بود، و نیرنگ بد جز اهلش را فرا نگیرد، پس آیا آنان جز سنت (خداوند را در مورد قلع و قمع) پیشینیان انتظار دارند؟ با آنکه برای سنت و قانون الهی هرگز جایگزینی نخواهی یافت، و هرگز برای سنت الهی تغییری نخواهی یافت.

#### نکته‌ها:

- «تبدیل» یعنی چیزی را بَدَل چیز دیگر قرار دادن، مثل تیمم بدل از غسل، ولی «تحویل» به معنای تصرف در زمان یا مکان یا شکل و قالب یک چیز است بدون آنکه چیزی را جایگزین آن کنیم.
- اگر پزشک، شربتی را به بیمار داد و او به جای آنکه بخورد، شربت را دور ریخت و به پزشک گفت: آن را نوشیدم، گمان می‌کند که سر پزشک کلاه گذاشته و به او کلک زده است، در حالی که بیمار خودش را فریب داده است، نه پزشک را. ﴿لَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ اِلَّا بِاَهْلِهِ﴾

#### پیام‌ها:

- ۱- سرچشمه‌ی فرار و نفرت از راه انبیا یا استکبار است یا حيله. (شاید استکبار از سوی کفار و حيله از سوی منافقان باشد و شاید استکبار بستر حيله‌گری خود مستکبر باشد). ﴿استکباراً... و مکر السَّيِّئِ﴾
- ۲- نتیجه حيله به خود انسان برمی‌گردد (عقوبت و کيفر تکبر و حيله به دیگری منتقل نمی‌شود). ﴿لَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ اِلَّا بِاَهْلِهِ﴾  
بَد مکن که بد اُفتی      چِه مَکَن که خود اُفتی
- ۳- خداوند در جامعه قانون‌ها و سنت‌های ثابتی را مقرر کرده است که در تمام اقوام و ملت‌ها جریان دارد، نظیر سنت آزمایش، سنت امداد مؤمنان و سنت

کیفر حيله گران و مستکبران. آری، خوشبختی و بدبختی و عزت یا سقوط جامعه، در گرو پیروی از سنت‌های الهی یا ترک آنهاست. «فلن تجد لسنة الله تبديلاً... تحويلاً»

۴- تاریخ دارای نظام و قانون ثابت است. (با نگاه به گوشه‌ای از تاریخ می‌توان قانون گوشه‌ی دیگر تاریخ را به دست آورد.) «فلن تجد لسنة الله تبديلاً»

﴿٤٤﴾ **أَوْلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا**

آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند که سرانجام کسانی که قبل از ایشان بودند و قدرتشان بیش از آنان بود چه شد؟ و هیچ چیز در آسمان‌ها و زمین نیست که خداوند را به عجز در آورد (و از حیطة‌ی قدرت او خارج باشد). البته او بس آگاه و تواناست.

#### نکته‌ها:

□ به دنبال آیه گذشته، این آیه بیانی است برای آشنا شدن با سنت‌های الهی در تاریخ و این که نتیجه و پایان استکبار چیست.

#### پیام‌ها:

- ۱- اسلام طرفدار سیر و سفر برای کسب تجربه است. «أولم يسيروا»
- ۲- سیر و سفر باید جهت دار باشد. «يسيروا فينظروا»
- ۳- تاریخ پیشینیان، از منابع شناخت سنت‌های حاکم بر جوامع است. (گذشته، چراغ راه آینده است.) «كيف كان عاقبة الذين من قبلهم»
- ۴- بازدید از آثار باستانی تمدن‌ها، مورد سفارش است. «أولم يسيروا...»
- ۵- به جلوه‌های کاذب مستکبران توجه نکنید، عاقبت آنان را ببینید. «عاقبة الذين

كانوا اشدّ منهم قوّة﴾

۶- به قدرت خود مغرور نشوید که افراد قوی تر از شما قلع و قمع شده‌اند. ﴿كانوا

اشدّ منهم قوّة﴾

۷- هیچ چیز بر اراده و قدرت خداوند غالب نیست. ﴿و ما كان الله ليعجزه﴾

۸- خداوند هم مستکبران را می‌شناسد و هم توان برخورد با آنان را دارد. ﴿علیماً

قدیراً﴾

﴿۴۵﴾ وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرهَا مِنْ دَابَّةٍ وَ

لَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ

بِعِبَادِهِ بَصِيرًا

و اگر خداوند مردم را به سزای آن چه انجام داده‌اند مؤاخذه نماید، هیچ جنبنده‌ای

روی زمین باقی نمی‌ماند، ولی (سنت خداوند بر آن است که) مردم را تا مدتی معین

مهلت دهد (تا خود را اصلاح نمایند)، پس همین که مدّ نشان به سر آمد (آنان را

مؤاخذه می‌کند) و همانا خداوند به (احوال) بندگان خود بیناست (و هر کس را

به مقتضای کردارش جزا می‌دهد).

**نکته‌ها:**

□ امام سجّاد علیه السلام در مناجات خود می‌گوید: «كان جزائی فی اول ما عصيتك النار»<sup>(۱)</sup> خداوندا

جزای من در اولین گناهی که کردم آتش بود و هر چه زنده مانده‌ام لطف و مهلت تو نسبت

به من است که شاید من توبه کنم.

**پیام‌ها:**

۱- گر حکم شود که مست گیرند، در شهر هر آن که هست گیرند. ﴿و لو یؤاخذ الله

الناس... ماترك... من دابّة﴾

۱. صحیفه سجّادیه، دعای ۱۶.

- ۲- گناهی کیفر دارد که با علم و عمد انجام گیرد. «یؤاخذ... بما کسبوا»
- ۳- فلسفه تأخیر کیفر مردم از دنیا به قیامت، بقای نسل بشر و تداوم حیات در کره زمین است. مردم اگر با گناه هلاک شوند بشری باقی نخواهد ماند و نسل منقرض خواهد شد «ما ترک علی ظهرها من دابة»
- ۴- خداوند، صبور و اهل عفو و مغفرت و مهلت دادن است و مردم را فوری در دنیا به جرم عملکرد بد آنان مجازات نمی‌کند. «یؤخرهم الی أجل مسمی»
- ۵- مر و میرها و فرصت‌ها و مهلت‌ها، با اراده‌ی الهی و دارای نظم و حساب و کتاب است. «یؤخرهم الی أجل مسمی»
- ۶- مدّت عمر انسان، از پیش تعیین شده است. «اجل مسمی»
- ۷- مهلت خداوند به بندگان گناه کار و تأخیر مجازات آنان تا قیامت از سنت‌ها و برنامه‌های الهی است. «یؤخرهم الی أجل مسمی»
- ۸- مهلت دادن خداوند به گناه کاران کاری عالمانه است. «بعباده بصیراً»  
 (ده‌ها میلیون نفر سال‌ها بعد از گناه توفیق توبه پیدا کرده‌اند و خلافت‌کاری خود را اصلاح نموده‌اند که اگر خداوند کیفر آنان را فوری می‌داد همه دوزخی می‌شدند.)

«و الحمد لله رب العالمین»